

جرم ترک انفاق در حقوق ایران

عباس محمد خانی

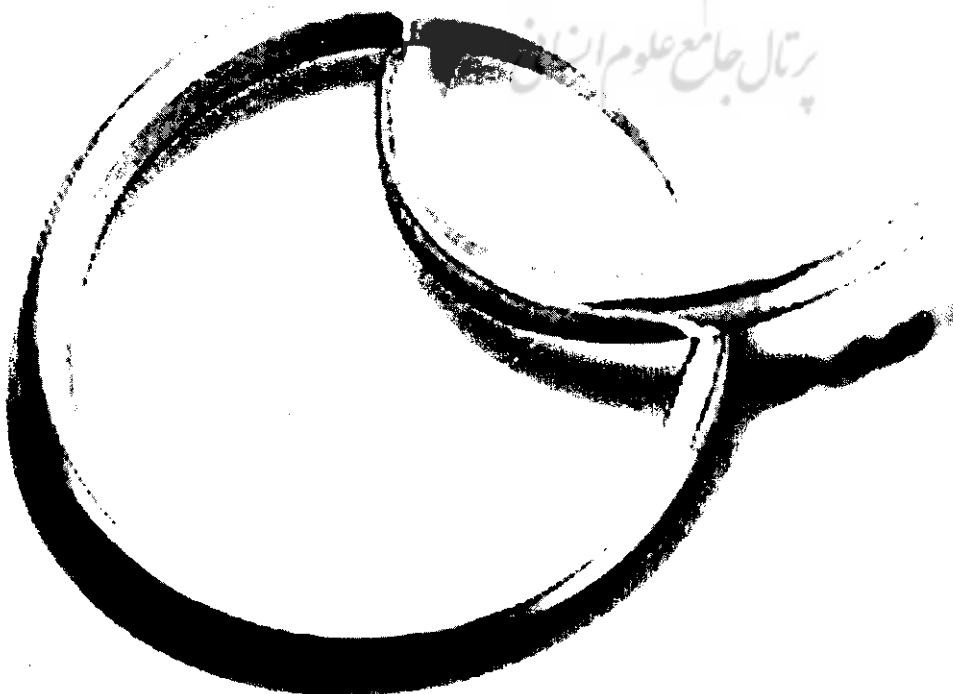
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

قانون گذار ایران در ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی، ذیل عنوان مجرایم بر ضد مقوق و تکالیف فائودگی اقدام به جرم انگاری ترک نفقه ی زن و سایر افراد واجب النفقه نموده است. این مقاله سعی بر آن دارد با توجه به منابع فقهی و نظریات مقوق دانان تملیلی هر چند مختصر از این جرم ارائه دهد.

رگن قانونی؛

به موجب ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی؛ «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه ی زن خود را در صورت تمکین، ندهد یا از تأدیبه ی نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید. در این ماده دو جرم ترک انفاق زن و ترک انفاق افراد واجب النفقه غیر از زن مورد جرم انگاری قرار گرفته که هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



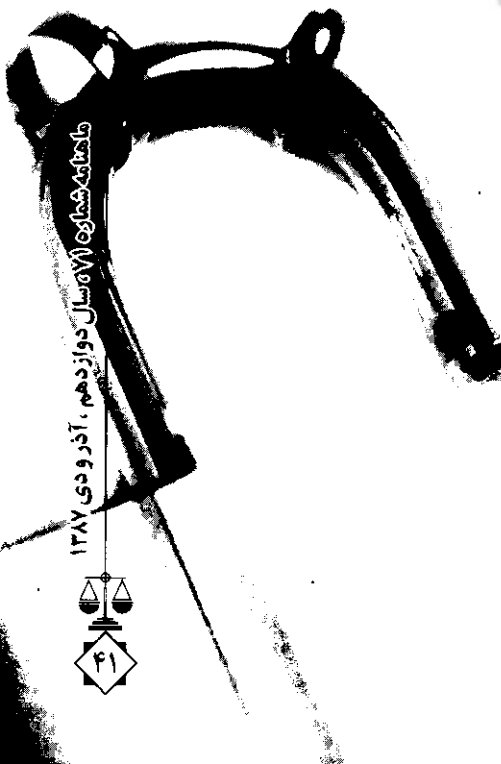
رکن مادی: عمل مرتکب در این جرم، ترک عمل انفاق به زوجه است. نفقه به موجب ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی عبارت است از "... همه ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن..." که برای دانستن کمیت و کیفیت آن، وضعیت امثال زوجه در نظر گرفته می شود^(۱) در استحقاق زوجه نسبت به نفقه نیز فقیر بودن و احتیاج او شرط نبوده و در هر حال نفقه بر مرد واجب است؛ گرچه زن از ثروتمندترین مردم باشد.^(۲) با توجه به اطلاق واژه ی "نفقه" در ماده - که شامل تمامی نیازهای متعارف و متناسب با شخصیت زوجه است - نپرداختن حتی قسمتی از نفقه ی زوجه نیز جرم و مشمول ماده خواهد بود. مدت امتناع از تأدیه ی نفقه نیز مهم نبوده و ترک انفاق ولو به مقدار یک روز نیز مشمول ماده خواهد بود.^(۳)

در مورد مطالبه نفقه گذشته اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه ای مشورتی، جنبه ی جزایی این جرم را موکول به عدم پرداخت نفقه ی حال دانسته و مطالبه ی نفقه ی ایام گذشته (ولو روز گذشته) را فاقد جنبه ی کیفری دانسته است.^(۴) این نظر قابل ایراد است؛ زیرا با عدم پرداخت نفقه جرم محقق شده و اسقاط مجازات تنها با یکی از موارد قانونی سقوط مجازات ها امکان پذیر است. به عبارت دیگر رکن مادی ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی ترک انفاق زوجه است و مشروط کردن تحقق جرم به حال بودن ترک انفاق فاقد توجیه قانونی است. استفاده ای هم که برخی حقوق دان ها از افعال "ندهد" و "امتناع نماید" در ماده کرده و در نتیجه تحقق جرم را منوط به مطالبه ی نفقه ی حال دانسته اند^(۵) نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا اصولاً قانون گذار از لحاظ دستوری از چنین افعالی برای قانون نویسی استفاده می کند و نگاهی به مواد دیگر آن قانون صحت چنین مطالبی را نشان می دهد. در غیر این صورت شرط حال بودن موضوع جرم را باید در مورد مواد دیگر قانون نیز جاری بدانیم که ضعف این مطلب واضح و بدیهی است. مضافاً بر آن که در هر حال مردی که نفقه ی زن خود را نپرداخته در زمان عدم پرداخت (هر چند گذشته) مشمول عنوان افعال فوق خواهد بود؛ در نتیجه در آن حالت جرم با تمام ارکان آن محقق شده و مانند تمام جرایم دیگر شکایت بعدی از آن ولو در زمانی طولانی بعد از آن موجب اسقاط مجازات نخواهد شد مگر آن که با توجه به قابل گذشت بودن این جرم گذشت زوجه به نحوی از انحا مشخص شود. مطلب آخر در این قسمت

آن است که محول کردن نفقه از جانب زوج به دیگری و امتناع شخص اخیر از پرداخت نفقه سلب مسئولیت زوج نبوده و در هر حال او فاعل مادی جرم خواهد بود.^(۶) برای شمول ماده همچنین باید زنی که شرعاً همسر مرد به حساب می آید ترک شود.

کلمه "زن" با توجه به ظهور ماده و لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی ناظر به زوجه ی دایمی و ترک انفاق زوجه ی موقت در صورت شرط شدن انفاق در ضمن عقد مشمول ماده نخواهد بود. فقها نیز وجوب انفاق به زن را منوط به دائمی بودن از دواج دانسته اند.^(۷) همچنین به نظر نگارنده و بر خلاف نظر برخی حقوق دان ها که به استناد ماده (۱۱۰۹) قانون مدنی که نفقه ی معتده ی رجعیه در زمان عده و نیز در صورت حمل از شوهر تا زمان حمل را بر عهده ی زوج و ترک انفاق در این حالت را موجب تحقق جرم می دانند؛^(۸) معتقد است که چنین عملی جرم نبوده و اطلاق عنوان "زن" بر معتده ی رجعیه تفسیر موسع قانون بوده که در امور جزایی و آن هم به ضرر متهم قابل قبول نخواهد بود. برای شمول ماده، همچنین نکاح باید به طور صحیح منعقد شود و نکاح فاسد به علت فقدان قصد یا وجود مانع و یا به هر علت دیگر موجبی برای وجوب نفقه و نهایتاً تحقق جرم در صورت ترک آن نخواهد بود. در این موارد قانونی بودن یا نبودن نکاح نیز شرط نبوده و وجود نکاح صحیح شرعی برای شمول ماده کافی خواهد بود و در نتیجه در صورتی که نکاح شرعاً صحیح نبوده ولی به طور قانونی ثبت شده باشد در صورت اثبات بطلان نکاح هیچ اثر حقوقی بر آن مترتب نخواهد بود. در این زمینه سؤالی که پیش می آید آن است که آیا ترک انفاق در نکاح غیر نافذ موجب تحقق جرم نخواهد بود؟ به نظر نگارنده این مورد نیز از شمول ماده خارج است زیرا شرط نفقه دادن به موجب ماده (۱۱۰۲) قانون مدنی، وقوع نکاح به صورت صحت است که باعث وجود رابطه زوجیت بین طرفین می شود و بدیهی است که نکاح غیر نافذ نمی تواند موجب چنین رابطه ای شود در صورت نپذیرفتن این استدلال باید پذیرفت که در نکاحی که به صورت اکراهی یا به طور فضولی واقع شده زوج بتواند الزام به تمکین زوجه را از دادگاه بخواهد! البته با توجه به قابل گذشت بودن این جرم و لزوم شکایت شاکی خصوصی برای تعقیب آن، شکایت زوجه از زوج برای ترک انفاق می تواند نوعی تنفیذ نکاح به حساب آید و بعد از این تنفیذ، در صورت نپرداختن نفقه از جانب زوج، جرم ترک

■ **نفقه به موجب ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی عبارت است از "... همه ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن..." که برای دانستن کمیت و کیفیت آن، وضعیت امثال زوجه در نظر گرفته می شود در استحقاق زوجه نسبت به نفقه نیز فقیر بودن و احتیاج او شرط نبوده و در هر حال نفقه بر مرد واجب است؛ گرچه زن از ثروتمندترین مردم باشد.** ■





انفاق محقق خواهد شد.

شرط تحقق جرم:

الف) استطاعت مالی مرد: این شرط از شروط و وجوب نفقه ی زن نبوده و بلکه از شروط تحقق جرم موضوع ماده است. به عبارت دیگر، مجازات تعزیری ترک انفاق تنها بر کسی اعمال خواهد شد که با وجود استطاعت مالی از تأدیه ی نفقه ی زن خود امتناع کند. در هر حال تشخیص استطاعت مالی مرد با دادگاه بوده که باید وجود این استطاعت را در زمان ترک انفاق احراز نماید. هم چنین به نظر می رسد در حالتی که زوج تنها استطاعت پرداخت قسمت ناچیزی از نفقه ی زن را داشته و از تأدیه ی همان قسمت امتناع نماید، مشمول ماده (۶۴۲) خواهد بود.

ب) تمکین: فقهای امامیه شرط دیگر و وجوب نفقه را تمکین کامل دانسته اند^(۸۱) بر این امر ادعای اجماع نیز شده است^(۸۲) در نتیجه در صورتی که زن تنها در بعضی زمان ها و مکان ها تمکین کند تمکین کامل برای نفقه حاصل نشده است.^(۸۳) قانون گذار نیز یکی از شرایط تحقق جرم ماده (۶۴۲)، را تمکین زوجه دانسته که اطلاق واژه ی "تمکین" شامل تمکین عام و خاص بوده و عدم تحقق هر یک موجب عدم تحقق جرم خواهد شد. در فقه در صورتی که عدم تمکین به علت عذر شرعی مانند مرض یا انجام فعل واجب یا مسافرت با اذن شوهر و امثال آن باشد کماکان مرد را ملزم به انفاق دانسته و این عدم تمکین را موجب سقوط نفقه ندانسته اند.^(۸۴) پرسشی که در این مورد پیش می آید این است که آیا در حالت فوق و در صورت عدم پرداخت نفقه از جانب زوج، جرم ترک انفاق محقق می شود. به نظر می رسد با توجه به صراحت ماده در مورد مشروط بودن تحقق جرم، به "تمکین" زوجه، در حالت های فوق جرم ترک انفاق محقق نشده و زن تنها می تواند با تقدیم دادخواست، نفقه ی خود را مطالبه کند؛ زیرا عدم سقوط نفقه، مستلزم تحقق جرم ترک انفاق نخواهد بود؛ خصوصاً زمانی که ماده (۶۴۲) به صراحت از وجود "تمکین" برای تحقق جرم سخن گفته است و عدم تمکین ولو به بهانه ی عذر مشروع موجب عدم تحقق شرط مذکور خواهد بود؛ در نتیجه جرم دانستن ترک انفاق در موارد فوق توسعه ی مصادیق تحت شمول ماده بدون وجود نص قانونی برای آن هاست که بدون شک صحیح نخواهد بود. هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه ی شماره ۶۷۲ مورخ ۷۸/۲/۲۸،

مقررات عدم سقوط نفقه به علت استفاده ی زوجه را در صورت ترک انفاق در این مورد مشمول مجازات مندرج در ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی ندانسته است. در قسمتی از این رأی چنین آمده است: "...و از نقطه نظر جزایی با لحاظ مدلول ماده (۶۴۲)... که به موجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تأدیه ی نفقه زن به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده (۱۰۸۵) قانون مدنی، حکم به مجازات شوهر نخواهد شد." نکته ی بعد در مورد نفقه ی صغیره است که با توجه به مشروط بودن نفقه به تمکین، فقها صغیره را مستحق نفقه ندانسته اند.^(۸۵) که با توجه به عدم تمکین و عدم وجوب نفقه در این مورد نیز جرم ترک انفاق محقق نخواهد شد. البته در صورت صغیر بودن زوج و کبیره بودن زوجه به نظر برخی به دلیل صغیر بودن زوج و عدم مسئولیت کیفری او اعمال مجازات منتفی خواهد بود و تنها در صورت بلوغ زوج و ادامه ی عدم پرداخت نفقه با توجه به استمراری بودن جرم ترک انفاق، امکان مجازات زوج وجود خواهد داشت.

۲) ترک انفاق افراد واجب النفقه ی غیر از زن:

قانون گذار در قسمت دوم ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی، امتناع از تأدیه ی نفقه افراد واجب النفقه غیر از زن را جرم انگاری و برای آن مجازات سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس پیش بینی نموده است. در نتیجه مشخص می شود که کلمه ی "هر کس" در صدر ماده در قسمت اول ماده (۶۴۲) ناظر به شوهر و در قسمت دوم ماده ناظر به هر شخصی اعم از مذکر یا مؤنث است که نفقه افراد واجب النفقه ی خود را نپردازد. قانون گذار ایران نیز به تبعیت از متون فقهی که حکم انفاق به اقارب را از اجامعات مسلمانان دانسته و حکم مزبور را به نصوص متواتر نسبت داده اند.^(۸۶) در ماده (۱۱۹۶) قانون مدنی مقرر داشته: "در روابط بین اقارب، فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق به یک دیگرند." با توجه به این ماده باید گفت در صورتی که یکی از اقربای نسبی در خط عمودی نفقه ی اقربای دیگر آن خط را چه صعودی و چه نزولی ندهد طبق ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات است؛ در نتیجه اولاد در صورت امتناع از پرداخت نفقه ی پدر و مادر و اجداد پدری و مادری و جدات پدری و مادری و هم چنین پدر و مادر و جداد و جدات پدری و مادری در صورت عدم تأدیه ی نفقه ی

اولاد، تحت شمول ماده و قابل مجازات می باشند. در نتیجه نفقه ندادن به اقربای در خط افقی مانند خواهر و برادر یا اقربای سببی مانند مادرزن و زن پسر و امثال آن‌ها واجب نبوده و جرم نیز نخواهد بود. هم چنین مشروع یا غیر مشروع بودن ولادت طفل ملاک نبوده و طبیعی بودن رابطه‌ی خویشاوندی برای انفاق به موجب رأی وحدت رویه ۱۷۶۴/۳-۶۷۶/۳ کفایت می کند. در قسمتی از این رأی آمده: "... پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه ی تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده ی وی می باشد و حسب ماده ی (۸۸۴) قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آن‌ها منتفی است". اداره حقوقی قضاییه نیز در نظریات متعدد خود بر این امر تأکید ورزیده است.^(۱۵)

شروط تحقق جرم ترک انفاق افراد واجب النفقه: الف) فقر منفق علیه:

قانون گذار در این مورد نیز به تبعیت از فقها که یکی از شرایط وجوب پرداخت نفقه به اقارب را فقر و عدم قدرت بر اکتساب روزی دانسته‌اند.^(۱۶) در ماده (۱۱۹۷) قانون مدنی مقرر نموده: "کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله ی اشتغال به شغلی وسایل معیشت خود را فراهم نماید". محقق حلی در توجیه این مطلب کسی را که قادر به کسب درآمد باشد مانند فردی غنی دانسته است.^(۱۷) فقها هم چنین وجوب نفقه بر اقارب را مشروط به اسلام منفق علیه ندانسته و نفقه بر آن‌ها را هر چند کافر یا فاسق باشند، واجب دانسته‌اند.^(۱۸) که با توجه به اطلاق کلمه ی «اشخاص واجب النفقه» در ماده (۶۴۲)، ترک انفاق چنین خویشاوندی نیز جرم و مشمول ماده (۶۴۲) می باشد.

ب) قدرت منفق:

یکی دیگر از شرایط وجوب انفاق به اقارب قدرت انفاق کننده است که عدم وجود آن علاوه بر عدم تحقق جرم ماده (۶۴۲)، از لحاظ مطالبه نفقه نیز حقی برای اقارب ایجاد نخواهد کرد. در این مورد ماده (۱۱۹۸) به صراحت در صورتی نفقه را واجب دانسته که شخص، متمکن از دادن نفقه باشد؛ بدون این که از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیغه گردد. این شرط نیز برگرفته از متون فقهی است که بعد از نفقه ی به خود و سپس به زوج و در صورت اضافه آمدن، نفقه ی اقارب را واجب

می دانند.^(۱۹) نفقه ی اقارب نیز به استناد ماده (۱۲۰۴) قانون مدنی شامل مسکن و لباس و وسایل خانه به قدر رفع حاجت و با در نظر گرفتن درجه ی استطاعت منفق است.

رکن روانی:

جرم ترک انفاق از جرایم مادی صرف بوده و نیازی به احراز رکن روانی برای تحقق جرم ندارد و به صرف این که شخصی نفقه اشخاص واجب النفقه خود را به هر علت ترک کند جرم محقق خواهد شد البته ترک انفاق باید نتیجه ی خواست فرد باشد و الا در صورتی که به عللی خارج از اراده منفق، نتواند اقدام به انفاق نماید جرم محقق نخواهد شد.

تعدد جرم در ترک انفاق:

با توجه به این که ترک انفاق زن و اولاد به صورت همزمان واقع می شود سؤال این جا است که در صورت ترک انفاق در این حالت آیا عمل زوج متعدد است یا واحد. در این مورد هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ی ۳۴-۱۳۶۰/۸/۳۰ ترک انفاق زن و فرزند از ناحیه ی شوهر را که معمولاً یک جا و بدون تفکیک سهم هر یک از آن‌ها پرداخت می شود ترک فعل واحد دانسته است. اما ترک انفاق همسران متعدد از سوی شوهر به نظر نگارنده از مصادیق تعدد مادی جرایم مشابه است که به استناد ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی می تواند موجب تشدید مجازات گردد؛ زیرا در این حالت زوج مرتکب چند ترک فعل جداگانه گشته است. در واقع او می بایست مبادرت به انفاق برای زنان متعدد خود به صورت جداگانه می کرد که ترک این کار در حقیقت ترک چند فعل است که هر کدام منجر به تحقق جرم واخذی شده است و همان طور که در رأی وحدت رویه ی مذکور نیز آمده چیزی که باعث خروج ترک انفاق زن و فرزند از حالت تعدد می شود این است که انفاق آن‌ها معمولاً یک جا و بدون تفکیک صورت می گیرد. در نتیجه به نظر می رسد حتی در حالتی که شخصی نفقه زن و فرزندان خود را که مثلاً در دو شهر مختلف زندگی می کنند ترک کند، مشمول عنوان تعدد مادی جرایم از نوع مشابه گشته است؛ زیرا در این حالت فرد دو ترک فعل جداگانه مرتکب شده است. همان طور که در صورت پرداخت نفقه می بایست مبادرت به دو فعل برای انفاق آن‌ها می کرد. اداره ی حقوقی قوه ی قضاییه

نیز در یکی از نظریه های مشورتی خود ترک انفاق همسران را از مصادیق ترک انفاق جرایم مشابه دانسته است.^(۲۰)

پی نوشت ها:

- ۱- محقق حلی، ۱۳۷۳، ۲۹، شهید ثانی، ۱۳۶۵، ۱۴۲.
- ۲- امام خمینی، ۱۴۱۵، ۲۸۵.
- ۳- مجموعه قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۴، ۴۶۱.
- ۴- منبع پیشین: ۴۴۱.
- ۵- زراعت، ۱۳۷۷، ۳۶۵.
- ۶- اردبیلی، ۱۳۷۷، ۲۷.
- ۷- محقق حلی، ۱۳۷۳، ۲۹۱.
- ۸- زراعت، ۱۳۷۷، ۳۶۴.
- ۹- محقق حلی، ۱۳۷۳، ۲۹۱. علامه حلی، ۱۴۱۰، ۵۴۷.
- ۱۰- نجفی، ۱۳۷۳، ۲۰۳.
- ۱۱- محقق حلی، ۱۳۷۳، ۲۹۱.
- ۱۲- علامه حلی، ۱۴۱۰، ۵۴۷. خمینی، ۱۴۱۵، ۲۸۰.
- ۱۳- شهید ثانی، ۱۳۶۵، ۱۴۲. محقق حلی، ۱۳۷۳، ۲۹۲.
- ۱۴- نجفی، ۱۳۷۷، ۳۶۶. محقق حلی، ۱۳۷۳، ۲۹۶.
- ۱۵- مجموعه قانون مدنی، ۱۳۸۴، ۳۹۲.
- ۱۶- علامه حلی، ۱۳۷۳، ۵۴۷. شهیدین، ۱۳۶۵، ۱۴۴.
- ۱۷- محقق حلی، ۱۳۷۳، ۲۹۶.
- ۱۸- نجفی، ۱۳۷۳، ۳۷۲. شهیدین، ۱۳۶۵، ۱۴۴.
- ۱۹- نجفی، ۱۳۷۲، ۳۷۴.
- ۲۰- شهری و ستوده جهرمی، ۱۳۷۷، ۶۸۵.

منابع:

- ۱- اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ دوم، پاییز ۷۸.
- ۲- زراعت، دکتر عباس، شرح قانون مجازات، بخش تعزیرات، نشر فیض، چاپ اول، فروردین ۷۷.
- ۳- شهری، غلامرضا و سروش، ستوده جهرمی، نظریه های مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه ی مسایل کیفری، روزنامه ی رسمی کشور، چاپ دوم، زمستان ۷۷.
- ۴- شهید ثانی، شرح المصباح، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، تابستان ۶۵.
- ۵- علامه حلی، قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، سلسله نیایب الفقیه، گردآوری شده توسط علی اصغر مروارید، مؤسسه فقه الشیعه - الدار الاسلامیه، بیروت لبنان، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۶- مجموعه قانون مجازات اسلامی، معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، عباسعلی رحیمی اصفهانی، چاپ ششم، تابستان ۸۴.
- ۷- مجموعه قانون مدنی، معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، عباسعلی رحیمی اصفهانی، چاپ ششم، تابستان ۸۴.
- ۸- محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، المطبعة الثالثة، قم، ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۹- موسوی خمینی، امام روح الله، تحریر الوسیله، الجزء الثاني، مؤسسه النشر الاسلامی، المطبعة الرابعة، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۱۰- نجفی، شیخ محمد حسن، الجواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳۱، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۲ ش.